

# تحلیل سناریوی تأثیرات آینده فعالیت جریان‌های تکفیری<sup>۱</sup> مدرن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای مقابله‌ای آن

علیرضا صابرفرد<sup>۲</sup>

سیداصغر جعفری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۱/۱۸

## چکیده

پدیده جریان تکفیری که در اذهان عموم، از آن به جریان اسلام انحرافی یاد شده و برای آن مؤیدات تاریخی و سیر تحولی ترسیم می‌نمایند، در واقع رویکردی نوین در ادبیات جناح سلطه برای مقابله با جهان اسلام است. برخلاف ظواهر امر، از نظر مفهومی، افتراقات عمیقی با جریان مرسوم وهابیت داشته و در حقیقت از نوعی اصالت مفهومی برخوردار است؛ لذا مصونیت جامعه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران از غافلگیری راهبردی نیازمند پاسخ به دو سؤال اصلی است: ۱- ماهیت فرانو این جریان چگونه خواهد بود؟ ۲- اثرات تحرکات آتی جریان مذکور بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

از این رو باید با ابزار متناسب، بدان توجه کرد. مطالعه تطبیقی در این‌گونه موارد به تنهایی کافی نبوده و می‌بایست با نگاه «آینده‌نگر» به موضوع پرداخت؛ زیرا جریانی پویا و مدام در حال تحول و دگرگونی است. بر همین اساس در این پژوهش با بررسی مختصر سیر تاریخی متناسب به این جریان، اسلاف آن مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه با بررسی تحلیلی محیط راهبردی، نشانک‌های ضعیف<sup>۴</sup> آن مورد توجه قرار گرفته و در انتها تحلیل سناریوی<sup>۵</sup> این جریان، انجام پذیرفته است. با توجه به ماهیت جدید و منحصر به فرد این جریان، روش تحقیق آن از نوع کیفی-توصیفی و با تکیه بر نظر خبرگان در قالب دلفی انجام شده است. نتایج پژوهش در قالب ۴ سناریو تحت عناوین نبرد گوزن‌ها، خرس سیبری، دومینویی و آتش زیر خاکستر توصیف گردیده‌اند.

**کلید واژه‌ها:** تحلیل سناریو، نشانک‌های ضعیف، جریان تکفیری، داعش

۱- داعش مصداق فعلی جریان تکفیری در منطقه بوده ولیکن بنا به دلایلی به نظر می‌رسد که ما در آینده شاهد بروز جریان‌های تکفیری متعددی خواهیم بود که مجال بحث در ارتباط با آن، در این مرقومه میسر نمی‌باشد. لذا بجای پرداختن محدود به گروه داعش، پدیده نوظهور جریان تکفیری نوین را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

۲- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه تهران و پژوهشگر دانشگاه صنعتی مالک اشتر

۳- استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه صنعتی مالک اشتر Jafari1547@yahoo.com

4. Weak Signal

5. Senario Planning

## ۱ - مقدمه

با ورود فرهنگ غرب به جهان اسلام و فروپاشی امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۵، اهل سنت برای احیای مجدد خلافت اسلامی تلاش فراوانی کرده و در این راستا گروه‌ها و احزاب متعددی در جهان اسلام شکل گرفت. از جنبش خلافت هند و اخوان المسلمین مصر گرفته تا گروه‌های جهادی در نیم قرن اخیر، همگی به دنبال احیای خلافت اسلامی بوده‌اند؛ اما حضور آمریکا پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و لشکرکشی آنان به منطقه، نه تنها باعث از بین رفتن تروریسم در منطقه نشد، بلکه گروه‌های تکفیری گسترش یافته و نه تنها در جهان اسلام، بلکه در جهان غرب هم ظهور یافتند (فرمانیان: ۱۳۹۳).

تطور مسئله تکفیر میان علمای وهابی<sup>۱</sup> در سه مرحله قابل بررسی است:

۱- مرحله شروع و ساماندهی و ایجاد زمینه تکفیر مسلمان‌ها که توسط «ابن تیمیه» و شاگردانش صورت پذیرفت.

۲- مرحله افراطی‌گری در تکفیر و کشتار مسلمان‌ها که توسط «محمد بن عبدالوهاب» انجام شد.

۳- مرحله بازگشت از مواضع افراطی‌گری برای تیرئه خود از جنایات گروه‌های تندرو وهابی.

در تمام این مراحل سه گانه، ملاک کفر و ایمان بر درخواست و توسل به اموات و قبور تأکید دارد و تفاوت در ضابطه‌مند بودن، ملاک تکفیر معین از غیر آن است که «محمد بن عبدالوهاب» با سرایت دادن تکفیر مطلق بر معین و حمل کفر اصغر بر کفر اکبر، باعث شد تا افراطی‌گری در تکفیر به نهایت خود برسد و باعث جنایات بسیاری شود. علمای سلفی جهادی که بر حاکمیت خداوند تأکید دارند، هر گونه درخواست و اطاعت از حاکم را ملاک کفر قرار داده‌اند و با جاهلی خواندن جوامع اسلامی، راه را برای تکفیر مسلمان‌ها هموار کردند؛ با بررسی‌های انجام شده به نظر می‌رسد که آن‌ها در مقام تکفیر معین نبوده بلکه تکفیرشان بیشتر رویکرد سیاسی و اجتماعی داشته است؛ از این رو نمی‌توان کلمات آن‌ها را حمل بر تکفیر معین کرد. گروه‌های تندرو تکفیری که برای رسیدن به اهداف خود، خود را سلفیه‌ی جهادی معرفی می‌کنند، در حقیقت تابعین محمد بن عبدالوهاب‌اند که تکفیر مطلق را در عرصه‌های مختلف (اعتقادی، سیاسی، اجتماعی) به تکفیر معین سرایت داده‌اند و به سلفیه‌ی جهادی وهابی تبدیل شده‌اند؛ ولی به دلیل شرایط و مصالحی که امروزه اقتضا می‌کند، خود را پیرو اندیشه‌های «سید قطب» و یا دیگر روشنفکران جهادی می‌دانند (فاطمی نژاد: ۱۳۹۳).

یکی از زمینه‌های رشد جریان‌های افراط‌گرایی تکفیری موسوم به اسلامی به واسطه فرصت‌هایی است که به‌ظاهر از قبل آن برای برخی از بازیگران ایدئولوگ فراهم می‌شود. به طور نمونه در مناسبات قدرت در

۱- وهابیت آبشخور اصلی فکری و نزدیک‌ترین جریان سیاسی نزدیک به جریان تکفیری است. از این رو در تحلیل جریان تکفیری بدان پرداخته می‌شود.

خاورمیانه، عربستان و قطر به‌عنوان حامی اصلی جریان‌های سلفی و وهابی، با حمایت از این جریان‌ها به دنبال برهم زدن موازنه قدرت موجود در منطقه به نفع قطب اهل سنت در مقابل تشیع هستند. در این بین، دولت سعودی به همراه سایر متحدین منطقه‌ای خود توانسته است به واسطه صرف هزینه‌های مالی و برقراری روابط راهبردی با کشورهای غربی و آمریکا، ایده‌مقابله با تشیع را به مثابه محور فعالیت‌های راهبردی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در خاورمیانه معرفی کند (اسفندیاری: ۱۳۹۳).

## ۲- روش تحقیق:

ماهیت تحقیق کیفی - توصیفی است. رویکرد اصلی پژوهش، تحلیل سناریوی موضوع «تأثیرات آینده جریان تکفیری بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران» بوده که ابزارهای اصلی آن نیز مطالعات کتابخانه‌ای، رصد و پویا محیطی، بررسی تحلیلی اخبار، مصاحبه با خبرگان، شناسایی و تحلیل نشانک‌ها، برگزاری هیئت‌رئیس (پانل) تخصصی<sup>۱</sup> و تحلیل محتوا است.

در ابتدا به بررسی اسناد کتابخانه‌ای و تولیدات علمی حوزه جریان تکفیری، تاریخچه شکل‌گیری آن، سیر تحولات تاریخی و آخرین رویکردهای اصلی آن، به ویژه تهدیدهای مؤثر بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد. با توجه به وجود متغیرهای متعدد و عدم قطعیت عمیق آینده جریان‌های تکفیری در منطقه، به‌منظور انکشاف و بررسی دقیق‌تر موضوع، از ابزار تحلیل سناریوی بهره‌گیری شده است. بر این اساس در ابتدا با ۱۰ نفر از خبرگان حوزه‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، فرق و مذاهب اسلامی، تاریخ اسلام، مدیریت امنیت و تحلیل اطلاعاتی به شرح جدول ۱ مصاحبه‌هایی نیمه‌باز صورت گرفت تا چارچوب مباحث تخصصی پژوهش، استخراج و نحوه مدیریت هیئت‌رئیس تخصصی مشخص شود.

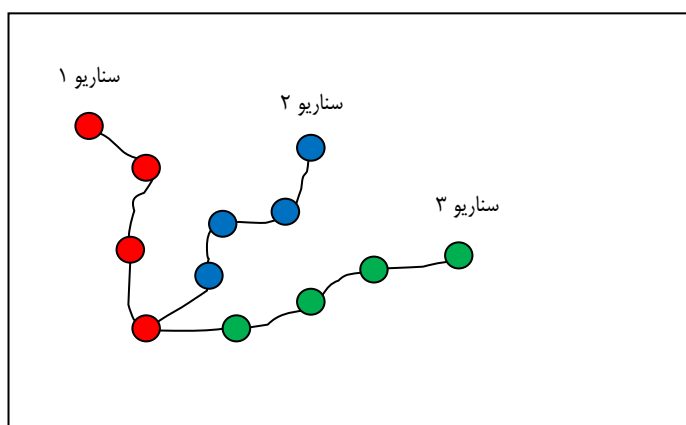
جدول شماره ۱- مشخصات خبرگان مورد مصاحبه

ردیف	مشخصات گروه خبره مورد مصاحبه	تعداد
۱	اساتید دانشگاه رشته جامعه‌شناسی	۲ نفر (۱ دانشیار، ۱ استادیار)
۲	اساتید دانشگاه رشته علوم سیاسی	۲ نفر (۱ دانشیار، ۱ استادیار)
۳	کارشناس فرق و مذاهب اسلامی	۱ نفر
۴	کارشناس تاریخ اسلام	۱ نفر
۵	اساتید دانشگاه رشته مدیریت امنیت و تهدیدشناسی	۲ نفر (۱ دانشیار، ۱ استادیار)
۶	فعال در بخش‌های اطلاعاتی و امنیتی و تحلیل و بررسی جامعه اطلاعاتی	۲ نفر

بعد از تعیین چارچوب‌های موضوعی پژوهش، بر اساس رویکرد سناریو و با بهره‌گیری از ابزار پانل تخصصی، تحلیل‌های لازم انجام پذیرفت.

### ۱-۲) مبانی نظری تحلیل سناریوی

سناریوها، روایتی از محیط‌های بدیلی هستند که ممکن است تصمیم‌های امروز در آن‌ها نقش بازی کنند. آن‌ها پیش‌گویی و همچنین راهبرد نیستند؛ آن‌ها بیشتر شبیه به فرضیه‌هایی در مورد آینده‌های متفاوت‌اند که به صورت ویژه برای برجسته‌سازی مخاطرات و فرصت‌های موجود در آن مسائل و حوزه‌های راهبردی ویژه طراحی می‌شوند. «شوارتز»<sup>۱</sup> سناریو را ابزاری برای نظم‌بخشیدن به ادراک خود درباره محیط‌های آینده بدیل که فرد در آن‌ها تصمیم می‌گیرد، می‌داند (Schwartz:1991). «تاکر»<sup>۲</sup> سناریوها را داستان‌های آینده‌های باورپذیر، و برنامه‌ریزی به‌نحوی که هرکس بتواند روبه‌جلو حرکت کند، تعریف می‌کند (Tucker:1999)؛ لذا سناریوها برای آن که یک ابزار برنامه‌ریزی مؤثر باشند باید به صورت داستان‌هایی جذاب و اقناع‌کننده نوشته شوند که به شرح و توصیف دامنه گسترده‌ای از آینده‌های بدیل مرتبط به موفقیت یک سازمان پردازند. برای طرح‌ریزی سناریو، رویکردهای متعددی وجود دارد که از یک منظر، به دو رویکرد تقسیم می‌شوند (Chermack:2011):



شکل ۱: روش استقرایی

1. Schwartz  
2. Tucker

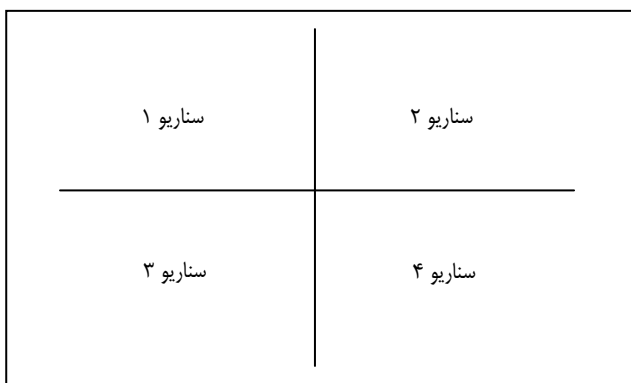
رویکرد استقرایی: استقرا معمولاً به معنای حرکت از ایده‌ها یا عوامل ویژه و رسیدن به قوانین کلی است. ساده‌ترین رویکرد در برنامه‌ریزی سناریو، رویکرد سناریوسازی استقرایی است (Chermack:2011). این رویکرد مبتنی بر دو راهبرد متفاوت است:

۱- رویکرد ساده ذهن‌انگیزی و طوفان فکری

۲- استفاده از آینده رسمی.

روش نخست به معنای ذهن‌انگیزی درباره انواع سناریوهای مختلف است. کاربرد مؤثر این روش نیاز به توجه بالای کاربران به سازمان و صنعت خود دارد. قوانین اندکی در این روش به کار می‌روند و تنها هدف آن، شرح و بسط داستان‌های متفاوت مبتنی بر نوآوری‌ها یا رویدادهای عمده دارای پیامدهای شدید است (Chermack:2011). روش دوم در رویکرد استقرایی ملاحظه آینده رسمی است که معمولاً یک پیش‌نگری است و سپس این پرسش مطرح می‌شود که: «امکان دارد در کجا این پیش‌نگری اشتباه باشد؟» آینده رسمی سناریوی فاقد شگفتی، تداوم وضعیت کنونی و رشد طبق معمول بوده و حاوی نیروهای پیشران خود است و اگر بتوان آن‌ها را درک کرد، متنوع‌سازی آن‌ها موجب طرح بدیل‌های تفکر برانگیز می‌شود. عناصر آینده رسمی معمولاً در مصاحبه‌ها یافت می‌شوند.

در نتیجه، مصاحبه‌ها روش حساس گردآوری اطلاعات در رویکرد استقرایی نسبت به شرح و بسط سناریوها هستند (Chermack:2011). به بیان ساده، در رویکرد استقرایی، ابتدا یک نقطه شروع (اینجا و اکنون) انتخاب می‌شود؛ این کار با این سؤال شروع می‌شود: «چه اتفاقی رخ می‌دهد اگر...؟» با یافتن پیامدها و پاسخ‌ها، سؤال‌ها تکرار می‌شوند. پیش‌فرض روش استقرایی آن است که هر گونه خروجی و نتیجه‌ای امکان‌پذیر است (شهود بالا). این روش از ساختار بندی کمتری برخوردار است و به میزان زیادی بستگی به صبر گروه برای ادامه دادن فرایند بحث و مکالمه دارد تا اجماع و اتفاق نظر حاصل شود. ماهیت فاقد ساختار رویکرد سناریوسازی استقرایی، موجب حضور آن در سازمان‌های کوچک یا موقعیت‌هایی می‌شود که در آن‌ها مشارکت‌کنندگان دارای تجربه قبلی قابل ملاحظه در کار سناریوسازی هستند (Chermack:2011).



شکل ۲: روش قیاسی

رویکرد قیاسی: رویکرد قیاسی، برنامه‌ریزی سناریوی یک رویکرد ساختارمند است؛ در نتیجه بسیار متداول است.

رویکرد قیاسی معمولاً دارای کارگاه‌ها، تمرین‌های رتبه‌بندی و یک ماتریس ۲x۲ است که به روشی مهم در برنامه‌ریزی سناریو تبدیل شده است. کارگاه‌های رویکرد قیاسی موجب خلق زمان و فضا برای مشارکت کنندگان با هدف تفکر و صحبت کردن درباره مسائل راهبردی می‌شوند. گردآوری تصمیم‌گیرندگان مختلف سازمانی برای کار بر روی مسائل راهبردی موجب آن می‌شود که تفکر جمعی در سازمان به مشکلات و ابهام‌های فرارو بپردازد (Chermack:2011).

استفاده از رویکرد قیاسی که بنا بر ماهیت آن، نیازمند مشارکت بوده، در ایجاد جامعه در سازمان سهیم دارد. در این روش، فهرستی از پیشران‌های تغییر که عدم قطعیت و تأثیر بالایی بر سازمان دارند شناسایی می‌شوند. این روش، از فن ساده «اولویت‌بندی» به منظور ساخت یک ماتریس سناریو ۲x۲ بر مبنای دو مورد از مهم‌ترین «عدم قطعیت‌ها» استفاده می‌کند. سناریوهای قیاسی، آمیزه‌ای از آینده‌های ممکن و محتمل هستند. از آنجا که تأثیرگذاری موضوع جریان‌های تکفیری، ماهیت جهانی داشته و بر حوزه‌های مختلفی تأثیرگذار است، رویکرد قیاسی برای آن مطلوب به نظر می‌رسد. از طرف دیگر هدف این پژوهش بررسی اثرات جریان تکفیری بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران است؛ لذا رویکرد استقرایی مناسب به نظر می‌رسد.

با عنایت به ماهیت موضوع و نیاز به بررسی دقیق، در این پژوهش «رویکرد ترکیبی» مورد دقت قرار گرفته است؛ بر این اساس در پانل‌های تخصصی، پیشران‌هایی که عدم قطعیت و تأثیر بالایی دارند،

تعیین و ماتریس 2x2 برای مهم‌ترین «عدم قطعیت‌ها» ترسیم می‌گردد. در ادامه، روایت‌های هر کدام از بخش‌های ماتریس طراحی و تدوین می‌گردد.

## ۲-۲) برگزاری پانل تخصصی

در ادامه، پانل تخصصی با ترکیب مندرج در جدول ۲، طی ۹ جلسه تشکیل گردید که روند اجرای آن به شرح زیر است:

جدول شماره ۲- ترکیب پانل تخصصی

ردیف	مشخصات گروه خبرگان پانل تخصصی	تعداد خبره
۱	اساتید دانشگاهی حوزه مطالعات راهبردی	۲ نفر (۱ دانشیار، ۱ استادیار)
۲	اساتید دانشگاهی حوزه مطالعات جامعه‌شناسی	۲ نفر (دانشیار)
۳	اساتید دانشگاهی حوزه مطالعات مدیریت امنیت و تهدید	۲ نفر (استادیار)
۴	صاحب‌نظر و پژوهشگر حوزه رسانه با تخصص رسانه‌های دیجیتالی	۲ نفر
۵	صاحب‌نظر و پژوهشگر فضای مجازی	۱ نفر
۶	فعال در بخش‌های اطلاعاتی و امنیتی و تحلیل و بررسی جامعه اطلاعاتی	۵ نفر

## روند اجرا و مدیریت پانل:

جلسه ۱ پانل: بررسی نتایج مطالعات کتابخانه‌ای پژوهشگر، تبادل نظر در ارتباط با ابعاد پژوهش، نهایی سازی چارچوب‌های آن و نحوه ادامه جلسات و موضوعات قابل رسیدگی در بررسی تحلیلی اخبار، رصد و پویش محیطی.

جلسه ۲ تا ۴ پانل: احصای اشرافیت اطلاعاتی با ارائه نتایج دسته بندی شده بررسی تحلیل اخبار و پویش محیطی توسط پژوهشگر به پانل تخصصی و ارائه محورهای جدید از سوی خبرگان به محقق (به صورت رفت و برگشت طی ۳ جلسه).

جلسه ۵ و ۶: شناسایی و تحلیل روندهای موجود، شناسایی پیشران‌های اصلی و عدم قطعیت‌ها و توافق نظر در خصوص دو پیشرانی که تأثیرگذاری و عدم قطعیت بالاتری دارند.

جلسه ۷: بحث و تبادل نظر در خصوص نشانک‌های احصای شده موجود و توافق نظر بر روی نشانک‌های قوی تر.

جلسات ۸ تا ۱۰: بحث و تبادل نظر در خصوص روایت‌های متصور (سناریوها) در هر یک از حوزه‌های منطبق با ماتریس 2x2.

نتایج مباحث مطروحه در جلسات پانل، مورد تحلیل محتوی قرار گرفته که در بخش نتایج تجزیه و تحلیل مقاله مندرج است.

## سؤالات تحقیق

- ۱- آینده‌های متصور فعالیت گروه‌های تکفیری چیست؟
- ۲- تأثیراتی که فعالیت‌های آتی گروه‌های تکفیری بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران خواهند داشت، چه خواهد بود؟

## مبانی نظری

### ۱- ریشه و مبانی نظری جریان تکفیری:

تکفیری‌ها خود را سلفی می‌دانند. «سلف» در زبان عربی به معنای «گذشته» است. سلفیه از نظر لغوی، انتساب به گذشته یا گذشتگان است. در فرهنگ اسلامی، واژه سلف، به پیروان و محدثان بزرگ قرن ۲ و ۳ ه.ق. اشاره دارد؛ آنان معتقدند که عقاید اسلامی باید به همان نحو بیان شوند که در عصر صحابه و تابعین پیامبر اعظم (ص) مطرح بوده است؛ یعنی عقاید اسلامی را باید از کتاب و سنت فراگرفت. علما نباید به طرح ادله‌ای غیر از آنچه قرآن در اختیار می‌گذارد، بپردازند. با این توصیف، سلفی کسی است که در احکام شرعی به کتاب و سنت مانده از سلف رجوع کند و غیر آن اعتبار ندارد.

### ۲- تاریخچه سیاسی جریان تکفیری:

پیشینه این نگرش را باید در سده نخست اسلام جستجو کرد. پس از آن در سده دوم هجری، جریان‌ی به نام اهل حدیث به وجود آمد که از نظر کلامی در برابر «معتزله» و از نظر فقهی در برابر «اهل رأی» موضع گرفت و زمینه را برای زایش رویکردهایی؛ همچون «جسم‌گرایان» فراهم آورد. جسم‌گرایان گروهی بودند که با استناد به ظاهر برخی آیات و احادیث و پرهیز از هرگونه تفسیر عقلانی، خدا را جسم می‌انگاشتند. در قرن‌های بعد آنان رو به افول نهادند.

در قرن ۷ و ۸ ه.ق تفکر «ابن تیمیه» تا حدود زیادی این موضوع را تئوریزه کرد؛ اما مورد استقبال علما و یا عوام قرار نگرفت؛ بلکه به مقابله با او منجر شد تا اینکه در قرن ۱۲ ه.ق «محمد بن عبدالوهاب» این اندیشه‌ها را بار دیگر در نجد عربستان زنده کرد. محمدبن عبدالوهاب علاوه بر تسلط بر فقه حنبلی در



گسترش افکارش با تشکیل سپاهی وهابی با پشتیبانی و همکاری بخشی از قبیله آل سعود و حمایت انگلستان، نظراتش را به یک فرقه و نظام سیاسی تبدیل نمود که موجب اشاعه وهابیت منتصب به محمد بن عبدالوهاب شد. عبدالوهاب در سال ۱۲۰۶ ه.ق درگذشت؛ ولی پیروانش راه او را ادامه دادند. به‌عنوان مثال در سال ۱۲۱۶ امیرسعود وهابی، کربلا را به تصرف درآورده و حدود ۵۰۰۰ نفر را به قتل رسانید. پس از تجزیه امپراتوری عثمانی با دخالت و طراحی انگلستان، آل سعود بر عربستان تسلط یافته و مذهب رسمی کشور را وهابیت اعلام کردند. به این ترتیب، وهابیت دارای قدرت شده و از امکاناتی مانند مدارس متعدد و مبلغان فراوان برخوردار شد (فاطمی نژاد: ۱۳۹۳). امروز، جهان با پدیده شومی به نام تکفیر مواجه است که بر آمده از سلفی‌گری افراطی و تبلیغ وهابیت در بین اهل سنت است، گرچه بسیاری از اهل تسنن و علمای اهل سنت با آن مخالفانند. این جریان متأثر از آموزه‌های غلط و برداشت نادرست از دین اسلام با پشتوانه درآمدهای نفتی چند کشور عربی و سیاست‌های آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی است که علاوه بر ایجاد شکاف در میان مسلمانان، به عاملی برای راه اندازی تضادها، جنگ‌های مذهبی، کشتار و قتل عام مسلمانان در کشورهایی همچون عراق، لبنان، سوریه، پاکستان، افغانستان، بحرین و... تبدیل شده است و به‌عنوان یک خطر بالقوه در سراسر جهان خودنمایی می‌کند و امروز به صورت بالفعل - خصوصاً در کشورهای اسلامی - مطرح است و هر روز بر دامنه آن افزوده می‌شود؛ به‌طوری‌که کشورهای به وجود آورنده خود را نیز تهدید می‌کند (فیروزآبادی: ۱۳۹۳).

### ۳- نشانه‌های ضعیف:

در سال‌های اخیر، نشانه‌های ضعیف در میان آینده پژوهان، شور و شوق فراوانی را برانگیخته است از جمله آنها می‌توان به آثار آنسوف<sup>۱</sup>، وب<sup>۲</sup>، کافمن<sup>۳</sup>، بلنکو و لیسکا<sup>۴</sup>، هریس و زیسلر<sup>۵</sup>، دی و شومیکر<sup>۶</sup>، مندونکا و همکاران<sup>۷</sup>، وندرهیدن<sup>۸</sup>، برابندر<sup>۹</sup>، لوکن<sup>۱۰</sup>، سالمون<sup>۱۱</sup>، سائول<sup>۱۲</sup>، متسامورونن<sup>۱۳</sup>، مانرما<sup>۱۴</sup>، هیلتونن<sup>۱</sup>، کاسی و

1. Ansoff
2. Webb
3. Coffman
4. Blanco and Lesca
5. Harris and Zeisler
6. Day and Schoemaker
7. Mendonça et al
8. van der Heijden
9. Brabandere
10. Lücken
11. Salmon
12. Saul
13. Metsämuuronen
14. Mannermaa

همکاران<sup>۲</sup>، نیکاندر<sup>۳</sup>، مویژان<sup>۴</sup>، ایلمولو و کاسی<sup>۵</sup>، اسکالی<sup>۶</sup>، برومر<sup>۷</sup> و کاوسا<sup>۸</sup> اشاره کرد. آینده‌پژوهان به منظور برآورد و پیش‌نگری تحولات آینده، نشانک‌های ضعیف را در دستور کار خود قرار می‌دهند. آن‌ها برای بیان نشانک‌های ضعیف از اصطلاحات مترادف مانند بذره‌های تغییر، موضوعات در حال ظهور، علائم راهبردی، علائم هشدار زود هنگام، نشانه آینده و غیره استفاده می‌کنند (Ansoff:1975). اگرچه تاکنون آینده‌پژوهان به فهم و تعریف مشترکی نرسیده‌اند؛ اما برخی ویژگی‌های بین تعاریف متعدد، یکسان است. نشانک ضعیف، علامت و نشانه‌های تغییر و تحول در آینده است که ضعیف و کم سو است؛ اما پیامدهای بزرگی را در پی خواهد داشت. شناسایی پیش‌دستانه این نشانک‌های کوچک موجب اجتناب از غافل‌گیری‌های راهبردی می‌شود. نشانک‌های ضعیف، علائم و نشانه‌های مربوط به موضوعات در حال ظهور آینده است که در زمان حال این نشانک‌ها کم‌تر معلوم و محسوس هستند. برای آشنایی بیشتر با نشانک‌های ضعیف می‌توان مثال‌هایی را در حوزه‌های گوناگون بیان کرد؛ مثلاً تغییر نسبت جمعیتی کشور و تفوق دختران نسبت به پسران شرکت‌کننده در کنکور سال ۸۵-۸۴ یا گذر جمعیتی کشور از جوانی به میان‌سالی.

مطالعه نشانک‌های ضعیف به دلایل زیادی، دارای اهمیت است؛ نخست، این که معمولاً سازمان‌ها به‌طور مستمر با چالش‌های تغییر، تحول و یا سونامی‌های هولناک مواجه می‌شوند. علت غافل‌گیری‌های راهبردی را می‌توان حساسیت نظام‌ها نسبت به رویدادهای کوچک دانست. پیچیدگی ناشی از تعدد عوامل و برهم‌کنش نظام‌ها باعث می‌شود تا رویدادی کوچک در یکی از نظام‌ها منجر به وقوع رویدادی شگفت‌انگیز در سایر نظام‌ها شود. تحولات عظیم در نظام‌ها معمولاً قبل از بروز، هشدارهای زود هنگام موسوم به نشانک‌ها را ارسال می‌کنند. اگر بازیگری با توجه به قابلیت‌های رمزگشایی خود قادر به کشف این علائم شوند، طبیعتاً با تفسیر و ترویج، این نشانه‌ها را وارد دستور کار خود می‌کنند و سایر بازیگران نیز به اقدامی ویژه در مقابل آن موضوع در حال ظهور، دست می‌زنند. نشانک‌های ضعیف را می‌توان ابزار برآورد و پیش‌نگری تحولات آینده دانست (Ansoff:1980).

بر خلاف تلاش دستگاه رسانه‌ای استکبار در القای تطابق و وابستگی کامل جریان تکفیری با وهابیت مرسوم سعودی، شاهد نوعی جریان تکفیری مدرن هستیم که برخلاف وابستگی‌های محوری به جریان انحرافی وهابیت، دارای ابعاد و ویژگی‌های منحصر به فردی است که مستلزم نگاهی هوشمند و دقیق در

1. Hiltunen
2. Kuusi et al
3. Nikander
4. Moijanen
5. Ilmola&Kuusi
6. Uskali
7. Brummer
8. Kuosa

تحلیل آن است. از این رو تحلیل با بهره‌گیری از نشانک‌های ضعیف می‌تواند بخش‌های زیادی از این نقصان را پوشش دهد.

#### ۴- نشانک‌های ضعیف حاصل از فعالیت جریان‌های تکفیری:

در تحلیل موضوع سناریوهای جریان‌های تکفیری، نیازمند بررسی دقیق نشانک‌های ضعیف موجود در محیط راهبردی هستیم که معمولاً منجر به بروز روندها و حتی پیش‌رانی‌هایی مهم در آینده خواهند شد؛ زیرا به علت ماهیتشان عموماً مورد عنایت ویژه قرار نگرفته و به تبع آن، اقدامات مقتضی نیز در زمان مناسب صورت نمی‌گیرد. با عنایت به اینکه مصداق امروزی تکفیری‌ها، گروهک داعش بوده و تقارب ذهنی با اقدامات آن‌ها در اذهان عمومی کشور موجود است، سعی شده در ادامه به برخی از نشانک‌های رفتار راهبردی این گروهک پرداخته شود:

##### ۴-۱) رویکرد منجی‌نمایانه

داعش، طی بیانیه‌ای در تاریخ ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴، رسماً اعلام نمود که با حذف عبارت عراق و شام، نام خود را به دولت اسلامی تغییر داده است و اعضای آن با خلیفه‌شان (ابوبکر بغدادی) بیعت نموده‌اند. آن‌ها همچنین از آغاز دوران نوین جهاد جهانی خبر داده‌اند (HE INDEPENDENT:29 JUNE 2014) و (MAD WORLD:29 JUNE 2014).

##### ۴-۲) خلیفه‌سازی منطبق با سطح ادراک انتظار

وبسایت‌ها و حساب‌های کاربری نزدیک به دولت اسلامی (داعش)، اولین ویدئوی وی را که مربوط به خطبه‌های نماز جمعه روز ۱۳ تیر ۱۳۹۳ در مسجد جامع موصل است، منتشر کرده‌اند. این ویدئوی ۲۱ دقیقه‌ای، اولین ویدئوی منتشر شده از فردی است که تاکنون تنها دو تصویر بی‌کیفیت از وی منتشر شده بود. وی در این خطبه ضمن استفاده فراوان از مفاهیم دینی و فن خطابه، با زبانی آمیخته به تهدید از کاربرد شمشیر برای برپایی حکومت و پیگیری اهداف خود اشاره کرده است. وی برای مشابهت با خلفای صدر اسلام نیز لباسی با رنگ سیاه پوشیده و دستمالی بر سر بسته است (BBC:05 JULY 2014) (سایت تابناک: ۱۴ تیر ۱۳۹۳).

جریان‌های سلفی-تکفیری گرچه در بستر اندیشه اهل سنت، نضج و نمو یافته است، اما با عنایت به رویکرد آرمان‌خواهانه به خلافت راشد و تمرکز نظر و عمل خود بر خروج از وضع موجود و تحول آن به عصر سلف صالح، در زمینه‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی، فاصله‌هایی از اهل سنت گرفته‌اند که می‌تواند الگوی حکومتی آن‌ها را متمایز نماید. الگوی حکومتی مورد نظر جریان سلفی-تکفیری، در ساختار و کارکرد، به شدت ریشه در گذشته و خلافت راشد دارد و حتی شیوه دستیابی به قدرت سیاسی نیز در جهاد و

یا انتخاب اهل حل و عقد خلاصه شده و برخلاف الگوی حکومت در اندیشه اسلامی معاصر، در مبانی و چارچوب، از تمسک به تجارب بشری جدید به شدت استنکاف دارد و با رویکردی متحجرانه و براساس برداشت‌های متعصبانه ظاهرگرا و با تفسیر به رأی از آیات و روایات، مدلی غیرپاسخ‌گو و مستبد و بر پایه قوانین شریعتی که خودشان تفسیر و تعریف می‌کنند، ابتدا دارد؛ مردم در قبال این حکومت صرفاً تکلیف دارند و به شدت مؤلفه‌های مدرن به ویژه در حوزه نقش مردم در قدرت راه، ردّ و تقبیح می‌کنند (نباتیان: ۱۳۹۳).

#### ۴-۳) تخریب مصادیق کفر<sup>۱</sup>

گروه داعش پس از اشغال شهر تاریخی موصل در شمال عراق، اماکن مقدس به ویژه مساجد و آرامگاه‌های مقدس در نزد شیعیان را تخریب نمود.

حداقل چهار آرامگاه مقدس در نزد اعراب سنی و صوفی توسط بولدوزر خراب شد؛ همچنین شش مسجد شیعی به وسیله انفجار تخریب گردید (RT.COM:06 JULY 2014) و (english.alarabiya.net).

#### ۴-۴) درآمد زایی مستقل از طریق صدور نفت

«رزمندگان اسلامی، میدان نفتی سوریه را تصرف کردند» (VOA:05 JULY 2014). داعش در ۱۴ تیر ۱۳۹۳ نخستین محموله‌های نفت را از میدان نفتی عجیل آغاز و آن‌ها را از منطقه کردستان عراق صادر کرد. داعش ۱۰۰ تانکر نفت خام را به قیمت حدود ۱۲ تا ۱۴ هزار دلار به فروش رساند. «شلال عبدالباان» شهردار منطقه «توزخورتو» در بیانیه‌ای گفت: افرادی که نفت را از این گروه می‌خرند، از راه‌های تحت واپایش این گروه، و از طریق شهرهای کفّری یا غدیرکرم به پالایشگاه‌ها یا با هماهنگی ایست‌های بازرسی از طریق شهر مخمور به منطقه کردستان می‌رسانند (Middle East Monitor: 30 NOV 2014). آن‌ها همچنین در این زمان، مدیریت تمامی میدان‌های نفتی و گازی مهم سوریه را در استان دیرالزور که هم‌مرز عراق است، در دست داشتند. یکی از منابع اصلی درآمد داعش، نفت و گازی است که از منابع زیرزمینی سوریه غارت می‌کنند. عمده خریداران این نفت و گاز، دلال‌های سوختی هستند که نفت خریداری شده را به مقصد اروپا و آمریکا روانه می‌کنند (SYRIAN OBSERVATORY HUMMAN RIGHT:03 JULY 2014).

#### ۴-۵) تبلیغات و اقدامات رسانه‌ای وسیع و هدفمند، جنگ روانی و برند سازی تکفیری برای اسلام

گروه تکفیری داعش نخستین نشریه خود را به دو زبان انگلیسی و عربی در ماه رمضان در ۵۰ صفحه با نام دابق<sup>۱</sup> منتشر کرد. بر روی جلد آن، عبارت «بازگشت خلیفه» خودنمایی می‌کرد. به تیراژ این نشریه اشاره

نشده است اما اعلام شده که در دو نسخه اینترنتی و چاپی منتشر می‌شود. نسخه چاپی بین ساکنان مناطق تحت اشغال داعش در عراق توزیع و نسخه اینترنتی نیز از طریق ایمیل به گیرندگان ارسال شد. این نشریه با کیفیت حرفه‌ای بالایی تولید و هدف از آن ترویج «دولت خلافت» ادعا شده است (ایسنا: ۱۸ تیر ۱۳۹۳).

داعش در تیر ۱۳۹۳ اعلام نمود که شبکه تلویزیونی جدیدی با نام «دابق» را در شهر موصل عراق راه‌اندازی کرده است. این شبکه، اخبار و اطلاعاتی را در خصوص جنگ‌ها در عراق و سوریه طی دوره گذشته پخش می‌کند. در ۱۸ ژوئن گذشته فاش شده بود که عربستان سعودی کارشناسانی را به موصل فرستاده تا شبکه تلویزیونی وابسته به گروه داعش را راه بیندازند (شبکه خبر: ۲۱ تیر ۱۳۹۳) و (ایسنا: ۲۱ تیر ۱۳۹۳).

داعش در زمان اعلام خلافت، در عراق و سوریه اقدام به تولید خبر و گزارش در اینترنت، تهیه فیلم‌های تبلیغاتی و حتی فروش تی‌شرت‌هایی با آرم «داعش» و تبلیغ گسترده آن در فضای مجازی در سطح دنیا کرد. استفاده و چاپ نقشه جهان، عبارات الدوله الاسلامیه «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» بر روی پیراهن‌ها و تی‌شرت‌ها، یک نمونه دیگر از این کارهاست. این تی‌شرت‌ها با آرم گروه تروریستی «دولت اسلامی عراق و شام» در برخی فروشگاه‌های ترکیه و کشورهای جنوب شرق آسیا دیده شده است (خبرگزاری فارس: ۱۳ آذر ۱۳۹۳).

خبرگزاری‌های وابسته به دولت‌های استکباری حامی داعش، از عناوینی نظیر «رزمندگان اسلام» یاد کردند (VOA:05 JULY 2014)، «گروه اسلامی و گروه حکومت اسلامی» (WIKIPEDIA).

علت این فضا سازی‌های رسانه‌ای در حمایت از گروه‌های تکفیری چیست؟ با کمی تفکر و تحلیل در خصوص اقدامات صورت گرفته با این حجم، می‌توان به چند نکته اساسی پی برد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

- ۱- ظاهر اسلامی دادن به جریان تکفیری.
- ۲- برند سازی اسلام با جریان تکفیری (به جای الگوی موفق شیعه).
- ۳- جهانی بودن برند جریان تکفیری در سطح جهان.
- ۴- اغراق و بزرگنمایی توانمندی تکفیری‌ها در راستای برند سازی.
- ۵- ایجاد موج رعب و وحشت در سطح جهان علیه داعش و جا انداختن تهدید جدی آن‌ها در افکار عمومی. (پخش تصاویر خوردن قلب سرباز سوری، سربریدن مخالفان با چاقوی کند، زنده سوزاندن مخالفان در کوره‌ها و...)

۲- وجه تسمیه این نشریه یعنی واژه دابق به منطقه «مرج دابق» در شمال استان حلب سوریه برمی‌گردد و اشاره‌ای تاریخی دارد به جنگ مرج دابق در زمان عثمانی‌ها که در آن سپاه عثمانی به رهبری سلطان سلیم اول توانست نیروهای مالیک را شکست دهد و عثمانی‌ها پس از آن توانستند سوریه و سایر کشورهای عربی را به مدت چهار قرن تحت تصرف خود درآورد.

۴-۶) استفاده وسیع از اینترنت

گروه تکفیری داعش از اینترنت به‌عنوان ابزاری برای تبلیغ و پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند. بر طبق گزارش‌ها، از ۹ ژوئن - که حملات نظامی این گروه شروع شده - تعدادی حساب کاربری در شبکه‌های اجتماعی نظیر توئیتر و فیس بوک ایجاد شده که ادعا می‌کنند «نماینده داعش در عراق و سوریه» هستند و به منتشر کردن اخبار، تصاویر و فیلم‌های مرتبط با این گروه می‌پردازند که بعضاً دارای زبان‌هایی از جمله فرانسوی و انگلیسی هستند. البته این حساب‌ها به صورت رسمی از طرف داعش تأیید نشده است. تعداد قابل‌توجهی از این پیام‌ها، از کشورهایی همچون کویت، عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس منتشر شده است. دولت عراق برای جلوگیری از تأثیر این تبلیغات در فضای مجازی، دسترسی به این شبکه‌های اجتماعی را محدود کرده است (BBC:21 JUNE 2014).

این در حالی است که بر اساس فتاوی صادر شده از سوی علمای وهابی، اختلافات شدیدی بین سران داعش بر سر استفاده از اینترنت و فضای مجازی بروز کرده است (خبرگزاری العالم: ۰۴ شهریور ۱۳۹۳).

۴-۷) چاپ اسکناس و گذرنامه

گروه تکفیری داعش پس از اعلام خلافت و تغییر نام به «دولت اسلامی» در مناطق تحت سیطره خود، دست به چاپ اسکناس و گذرنامه‌های جدید زد. داعش پس از اعلام تشکیل خلافت اسلامی، بلافاصله پرچم جدید خود را نیز به ۲۳ زبان زنده دنیا منتشر کرد. تعدادی از رسانه‌های محلی از چاپ اسکناس‌های جدید در یک، پنج و ده دیناری داعش در موصل و تکریت و برخی از مناطق استان دیالی خبر دادند (DEUTSCHE WELLE:07 JULY 2014).

ارز تازه داعش «دینار اسلامی» نام دارد. یک سایت نزدیک به داعش، نوشت که ابوبکر بغدادی، خلیفه خود خوانده دولت اسلامی، دستور ضرب سکه‌های تازه را صادر کرده است تا نظام پولی استبدادی رایج که الگوی نظام اقتصادی غرب بوده و مسلمان‌ها را به بردگی کشانده، تغییر کند. شورای دولت اسلامی نیز، حکم ابوبکر بغدادی را تأیید کرد (DEUTSCHE WELLE:14 NOV 2014).

۳ موضوع طراحی پرچم، چاپ اسکناس و گذرنامه و انتشار آن در سطح جهان، در اذهان عمومی نشان از تشکیل دولت و حکومت جدیدی را تداعی کرده که انسجام حاکمیتی دارد. این اقدام در این مدت‌زمان کوتاه، از سوی گروهکی با ابعادی کوچک و فعال در محدوده جغرافیایی محدود، موضوعی قابل تأمل است. نکته مهم این است که القاعده در زمان سیطره مستحکم خود بر بخش‌هایی از افغانستان، عراق و سوریه اقداماتی در این خصوص به عمل نیاورد!

۴-۸) آموزش خلبان هواپیمای جنگنده نشان از تشکیل ارتشی حرفه‌ای

خلبان‌های ارتش صدام حسین که به گروه داعش ملحق شده‌اند در حال آموزش اعضای این گروه برای استفاده از سه فروند جنگنده به غنیمت گرفته شده از ارتش بشار اسد هستند. دیده‌بان حقوق بشر در سوریه - که مقر آن در لندن است - خبر داد: این نخستین بار است که ستیزه جویان اسلام‌گرا، جنگنده‌ها را به پرواز در آورده‌اند (FOX NEWS:17 OCT 2014).

نیروهای داعش سه جنگنده سوری را در حلب و رقه به تصرف خود در آورده بودند. هواداران گروه داعش پیش‌تر در حساب‌های توئیتری خود، تصاویری از جنگنده‌های به غنیمت گرفته شده را به نمایش گذاشته بودند (CNN NEWS:31 AUG 2014).

بهره‌گیری از هواپیمای جنگنده نیازمند بسترهای لازم نظامی و فناوری، پشتیبانی راداری و مخابراتی و قطعات یدکی است. برای متخصصان نظامی، کاملاً مشهود است که امکان بهره‌گیری عملیاتی از آن‌ها میسر نیست. اصرار داعش بر به نمایش گذاشتن (دروغین) توان بهره‌گیری از توانمندی‌های نوین نظامی برای عوام، قابل تأمل است.

#### ۴-۹) تلاش برای ایجاد حاکمیتی ساختارمند

سه رسانه آلمانی با استناد به اسنادی که از دولت عراق به دست آن‌ها رسیده، تصویر دقیقی از ساختارهای حکومتی داعش ارائه کرده‌اند. در درون سازمان داعش، شبکه منظمی از بیمه‌های درمانی، کمک به ازدواج و تأمین مالی خانواده‌های اعضای کشته‌شده یا زندانی این سازمان، وجود دارد. از نظر کارشناسان، وجود چنین شبکه‌های خدماتی نشان می‌دهد که داعش برای حفظ انسجام درونی سازمان خود و تداوم وفاداری اعضا، سرمایه‌گذاری‌های اساسی کرده است. پیام بیرونی نیز برای جذب مخاطبان جدید دارد.

در ماه ژوئن سال جاری روزنامه گاردین از اسنادی خبر داد که در جریان یک عملیات تجسسی نیروهای عراقی علیه داعش به دست آمده بود. دولت عراق بخشی از محتوای این اسناد را در اختیار دو شبکه تلویزیونی (WDR) و (NDR) و یک روزنامه آلمانی (زوددویچه سایتونگ) قرار داد. این اسناد حاکی از آن است که هر کدام از استان‌های تحت نظارت و مدیریت داعش دارای بودجه خاص خود بوده و ترتیبی اتخاذ گردیده که استان‌های ثروتمندتر باید به استان‌های ضعیف‌تر کمک کنند. این اسناد بیانگر این هستند که بخشی از سرمایه داعش، از راه باج‌گیری به دست آمده است. یک کارشناس بریتانیایی درباره این اسناد اظهار نظر کرده که داعش بسیار عقلانی‌تر و حساب‌شده‌تر از آن کار می‌کند که تا کنون تصور می‌شده است (DEUTSCHE WELLE:14 NOV 2014).

اهمیت فراوان داعش به تشکیل حاکمیتی منسجم که به کوچک‌ترین موضوعات مرتبط با خدمات اجتماعی همزمان با نبرد در جبهه‌های نظامی، توجه ویژه دارد، نشان از رویکردی هوشمندانه به جذب و نگهداشت افکار عمومی مردمی است. این نگرش و مدیریت کلان در نوع خود منحصر به فرد است.

۴-۱۰) نماد حق طلبی و مبارزه با کفر و استبداد

از همان ابتدای فروپاشی شوروی، جمهوری‌های خود مختار «چچن» و «اینگوش» واقع در قلمرو سرزمینی فدراسیون روسیه، علیه حاکمیت مرکزی شورش نموده و زمزمه‌های جدایی طلبی را سر دادند که به جنگ تمام عیاری بین دو طرف تبدیل شد و در نهایت به واکنش سرسختانه روسیه و سرکوب شدید مردم این منطقه، منجر شد. با توجه به سیطره ۷۰ ساله کمونیسم و خلأ فرهنگی حاکم، فشارهای اقتصادی روسیه، جنگ طولانی مدت و عدم حضور مؤثر جریان فرهنگی ناب اسلامی در این مناطق، مسلمانان این منطقه مورد حمایت برخی کشورهای اسلامی با محوریت عربستان قرار گرفتند. غرب نیز به واسطه دشمنی با روسیه، فرصت را مغتنم شمرده و با حمایت از این جریان، زمینه حضور پررنگ جریان القاعده را در این منطقه فراهم نمود.

از بدو شروع بحران سوریه، این مناطق به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کانون‌های یارگیری جریان تکفیری مطرح بوده که کماکان نیز ادامه دارد و علت اصلی آن، فقر مالی و اعتقادی مردم منطقه است؛ از طرف دیگر جریان تکفیری در اقدامی نرم و هدایت شده با بهره‌گیری از کینه و دشمنی مردم این مناطق با روسیه، با دستاویز قرار دادن سطح تعاملات نزدیک دولتمردان سوریه و روسیه، پیشران جدیدی را برای تسریع و تسهیل این فرآیند فراهم آورده است. ادعای مبارزه با مصادیق کفر و ظلم از دیگر ابزارهای جریان تکفیری برای جا اندازی نحلّه خود در افکار عمومی خصوصاً ملت‌های تحت ظلم و ستم است.

۴-۱۱) استفاده گسترده از فناوری‌های نوین

انواع خشونت‌های بی منطق -خارج از رعایت هر گونه اصول اخلاقی و بسیار وحشیانه جریان تکفیری، آن هم به کرات و در سطح گسترده علیه نظامیان و شهروندان عادی از زن و مرد و کودک و بزرگ، دو کشور عراق و سوریه -منطقه خاورمیانه را در بحرانی تلخ و دل‌خراش فروبرده است. این همه خشونت غیر قابل توجیه با مبانی دینی و عقلی و انسانی و وجدانی چگونه به وسیله یک گروه مدعی دیانت و ایمان علیه هم کیشان و مؤمنان و شیعیان عراق و سوریه با اتهام ارتداد و کفر اعمال می‌گردد.

مجنذب شدن داعش به فناوری‌های جدید و ترکیب یافتن ناپالوده این علاقه با مجموعه عقاید دینی خام و صیقل ناخورده، با تأملات عقلی و تجربه‌های اجتماعی-انسانی، زمینه ساز استفاده جنون آمیز از فناوری جدید از سوی داعش علیه جهان اسلام شیعی و حتی سنی و بلکه علیه بشریت شده است.



## نتایج پژوهش

از منظر ایجاد یک فهم مشترک نسبت به مقوله جریان تکفیری، شاهد نوعی همگرایی منسجم جهان اسلام بر محور آموزه‌های ناب اسلام و در یک کلام شکل‌گیری یک هویت مشترک در مواجهه با تکفیری‌ها هستیم. حتی تهدید جریان تکفیری، به فرصتی برای شکل‌دهی به یک هویت مشترک اسلامی و همگرایی جهان اسلام، تبدیل شده است؛ همچنین با توجه به انسجام محور مقاومت (ایران، عراق و سوریه) تقابل فکری و سیاسی نخبگان با این جریان انحرافی به علت افشای ماهیت اصلی و شناسایی آبشخور فکری و سیاسی آن و همچنین واگرایی عمیق فکری و سیاسی جامعه عمومی منطقه با جریان موصوف (به علت مشاهده روند تندروی‌ها و اقدامات خلاف عرف و منطق این گروه) ادامه این روند با رویکرد فعلی، ضامن حفاظت از منافع دول استکباری در آینده نخواهد بود؛ لذا شاهد تغییراتی راهکنشی در نحوه هدایت و رهبری این جریان‌ها در نقاط مختلف اعم از خاورمیانه، آفریقا و جنوب شرق آسیا هستیم که با توجه به در نظر گرفتن ابعاد و گستره آن، از عدم قطعیت‌های زیادی برخوردار است. از این رو در آینده شاهد نوعی تحولی پویا در ماهیت، جهت‌گیری و شیوه اجرای جریان موصوف خواهیم بود؛ به عبارت دیگر با نوعی جریان تکفیری مدرن مواجه هستیم.

لذا تصور ابعاد و ویژگی‌های این ماهیت موهوم و شگردهای احتمالی آتی آن، ضرورت راهبردی دارد. قطعاً با توجه به پیچیدگی و آشوبناکی محیط، تحقق آینده‌ای معین در حوزه جریان‌های تکفیری مدرن، امکان‌پذیر نیست. بر این اساس رویکرد تحلیل سناریویی، ابزار عملیاتی‌تری برای بررسی آینده این جریان به نظر می‌رسد:

با توجه به مباحث طرح شده در پانل تخصصی در باب سناریو پردازی، آینده فعالیت جریان‌های تکفیری و تأثیرات آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، دو پیشران اصلی - که بیشترین عدم قطعیت و تأثیرگذاری را بر این جریان داشته - شناسایی و مورد توافق قرار گرفتند:

۱- انسجام فعالیت جریان تکفیری از منظر درون تشکیلاتی.

۲- توافق عمومی برای مقابله با جریان تکفیری.

در ادامه، سناریوی حاصل از تلاقی این پیشران‌ها مورد بررسی و دقت آینده‌نگرانه قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

## الف- سناریو نبرد گوزن‌ها

در صورت انسجام تشکیلاتی جریان تکفیری و همگرایی قوای مقابل آن‌ها، شاهد تقابلی خون‌بار خواهیم بود که به مانند دو جنگ عراق و افغانستان، بیشترین تلفات متوجه مردم غیرنظامی خواهد بود.

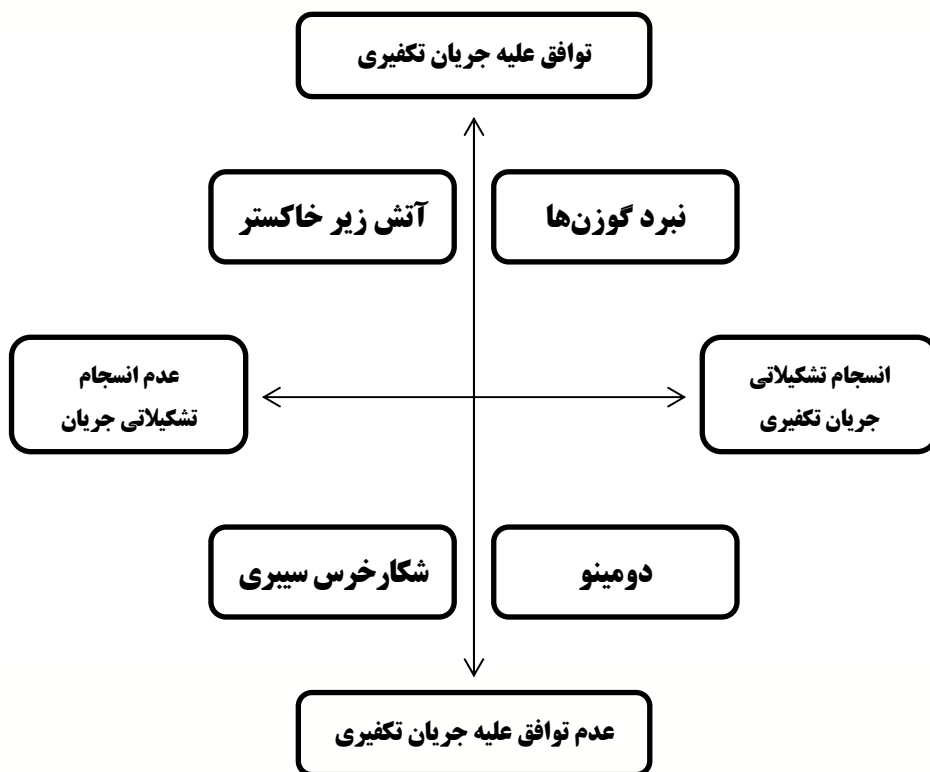
جریان تکفیری به علت دارا نبودن پایگاه مردمی و زیرساخت‌های مستحکم حاکمیتی در مقابل تهاجمات دراز مدت، عملاً ضربه‌پذیری بیشتری داشته و چون توان عملیاتی مقابله درازمدت را ندارد، سعی خواهد کرد با دست‌اندازی به حوزه‌های خارج از میدان جنگ و اعمال جنگ روانی، فشار را به سایر حوزه‌ها انتقال داده و هزینه آن را برای دشمنانش افزایش دهد. در چنین شرایطی شاهد افزایش حملات تروریستی، بمب‌گذاری، حمله به شهرها و روستاهای بی‌دفاع، ایجاد جو ناامنی، رعب و هراس گسترده در منطقه و از همه مهم‌تر، تداوم جنگ شهری خواهیم بود؛ زیرا از استحکامات شهری و مردم بی‌دفاع به‌عنوان سپر انسانی بهره‌برداری نموده و این امر، نفوذ قوای مقابل را با کندی مواجه خواهد ساخت.

بر همین اساس شاهد فرسایشی شدن جنگ خواهیم بود که پیامدهای منفی آن عمدتاً گریبان‌گیر مردم منطقه بوده و پیروز اصلی آن، جناح استکبار است؛ زیرا اثرات این امر کاهش قدرت حاکمیت مرکزی و تداوم حضور نظامی و سیاسی غرب و حامیان آن در منطقه خواهد بود.

بر همین موازات، حلقه تأمین‌کننده مالی و پشتیبان جریان تکفیری (عربستان و...) به دنبال بروز بن‌بست و فرسایشی شدن تقابل، سعی می‌کنند مناطق دیگری که ظرفیت‌های لازم را دارد، فعال کنند. ویژگی‌های مشترک این‌گونه مناطق به شرح زیر است:

- مناطق مسلمان‌نشین که در سال‌های اخیر تحت سیطره فرهنگی جریان وهابی قرار داشته‌اند.
  - مناطق مسلمان‌نشین که دچار ضعف فرهنگی شدید بوده و از تعالیم ناب اسلامی کم‌بهره‌اند.
  - وجود فقر مالی و تنگدستی اقشار قابل‌توجهی از مردم ساکن آن کشورها.
  - وجود زمینه‌های تضاد قومی و قبیله‌ای جدی بین مسلمانان و سایر اقوام هم‌جوار.
  - کشورهای مسلمانی که در سال‌های اخیر دچار تلاطم‌های شدید سیاسی و تغییرات مکرر قدرت حاکم بوده‌اند.
  - وجود ظلم و فساد حاکمان و اختلاف طبقاتی شدید اجتماعی.
- بر این اساس، آسیای جنوب شرقی و آسیای مرکزی (مناطق مسلمان‌نشین شبه‌جزیره هند، چین و آفریقای مرکزی) زمینه آستن وقوع این جریان با رویکردهای متنوع و منطبق با شرایط محیط راهبردی حاکم بر آن مناطق، هستند.

به‌بیان‌دیگر ما شاهد بروز جریان‌های تکفیری متعدد و متنوع خواهیم بود.



شکل ۳- سناریوهای تأثیرات جریان تکفیری مؤثر بر محیط امنیتی ج.ا.آ

### ب- سناریو خرس سیبری

در صورت عدم انسجام تشکیلاتی در بین جریان‌های تکفیری<sup>۱</sup> - که مورد استقبال جریان استکباری نیز قرار خواهد گرفت<sup>۲</sup> - و عدم مقابله مؤثر با آن‌ها در کوتاه‌مدت، شاهد نوعی تقابل فرسایشی بین دو طرف خواهیم بود که هیچ‌کدام از آن‌ها خواهان آن نیستند. البته جریان تکفیری تا همین زمان نیز مأموریت خود را به نحو مطلوب انجام داده و غرب تمایل دارد که در حال حاضر نیز از این ظرفیت بهره‌مند باشد؛ لذا ادامه حضور کم اثر این جریان در منطقه، علاوه بر تخریب دستاوردها، به کاهش توان راهبردی آن و تخریب وجهه غرب، منجر خواهد شد. از طرف دیگر، حامیان منطقه‌ای (ترکیه و عربستان) با وجود صرف

۱- پیشران اصلی در این امر، عدم توافق در تقسیم قدرت می‌تواند باشد. بطوریکه القاعده رسماً عدم انطباق تشکیلاتی داعش با خود را صراحتاً اعلام نموده است.

۲- بنظر می‌رسد جریان استکباری نیز از این امر رضایت راهبردی داشته باشد زیرا جریان غرب قادر خواهد بود از ظرفیت‌های متفاوتی در راستای منافع خود بهره‌گیری نماید.

هزینه‌های هنگفت مادی و معنوی در راستای حمایت از جریان تکفیری، برخلاف تصورات اولیه، نه تنها به اهداف خود نائل نمی‌شوند، بلکه در صورت ادامه حیات این جریان به این نحو، دچار شکست سیاسی - اجتماعی و حتی امنیتی خواهند شد. شاهد هستیم که اختلافاتی بین آن‌ها بروز کرده و به دنبال فرار از این مهلکه هستند؛ لذا در چنین شرایطی خروج اصطلاحاً راهکنشی از این معرکه، ضرورت پیدا می‌کند. بهترین مناطقی که دارای ظرفیت‌های زیرساختی فرهنگی و سیاسی مناسبی در منطقه بوده و در فهرست اصلی دشمنان راهبردی غرب نیز قرار دارد، کشورهای روسیه و ایران هستند.

ایران به مدد بهره‌مندی از جریان ناب اسلامی شیعه و شور اهل‌بیتی موجود در بین مردم، در حال حاضر از انسجام نسبی اجتماعی در تقابل با جریان‌های تکفیری بهره‌مند بوده و یک جریان نامنسجم تکفیری قادر نخواهد بود از این سد عبور کند. اما در صورت عدم همکاری راهبردی جریان مقاومت (ایران، عراق و سوریه) با جناح غربی - و هم‌پیمانان - به‌ظاهر مخالف جریان تکفیری در منطقه، شاهد نوعی عدم انسجام راهکنشی در جبهه مقابله‌ای خواهیم بود که نتیجه آن، هدایت بخشی از ظرفیت‌های عملیاتی این جریان به سمت روسیه و استقرار آن در منطقه قفقاز با رویکرد «مبارزه علیه مصادیق کفر روسی» فراهم گردیده که جناح غربی تقابل نیز به‌شدت به دنبال آن است؛ زیرا هدف اصلی آن‌ها افزایش هزینه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی بیشتر روسیه است. دولت روسیه نیز ضمن اهتمام به حفاظت از منافع خود در سوریه و تمایل به خلاصی از درگیری طولانی‌مدت با این جریان انحرافی، ضمن گریزناپذیری از ورود به معرکه موصوف، تمایل دارد که خط مقدم مقابله با این جریان را هرچه بیشتر به خارج از مرزهای خود هدایت نماید. از طرف دیگر با توجه به تنازعات اخیر روسیه با غرب که در جبهه اقتصادی نمود بارزتری دارد<sup>۱</sup>، به نظر می‌رسد که این کشور را در آینده با چالش‌های جدی‌تری مواجه خواهد ساخت که نتیجه آن تضعیف قدرت حاکمیت مرکزی این کشور است. در صورت بروز چنین شرایطی منطقه قفقاز، مأمّن مناسبی برای تجدیدقوا و استقرار عملیاتی جریان تکفیری خواهد بود؛ اما با مأموریتی جدید! لذا در چنین شرایطی مناطق جنوبی قفقاز نظیر آذربایجان و گرجستان و بخش‌هایی از ترکیه نیز از تهدیدهای امنیتی این جریان به‌شدت تأثیرپذیر خواهند بود.

### ج - سناریو دومینویی

در صورت انسجام ظرفیت جریان‌های موسوم تکفیری در منطقه و عدم برخورد جدی و مؤثر با آن‌ها، این حرکت به‌عنوان یک نحله فکری و راه‌حل نوین که توانسته موفقیت‌های نسبی را در عرصه‌های

۱- تحریم علیه روسیه، کاهش خرید گاز روسیه توسط اروپا و کاهش قیمت جهانی نفت.

سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی کسب کند، مورد توجه ویژه قرار خواهد کرد. خصوصاً در کشورهایی که از ضعف فرهنگی، فشار سیاسی حکام مستبد و مشکلات اقتصادی رنج می‌برند. البته ماجراجویی، جذابیت‌های کاذب تکفیری‌ها و اقدامات تبلیغاتی و تشکیلاتی جریان‌های وابسته به وهابیت در مناطق مختلف جهان نیز به‌عنوان پیشران‌های دیگر این جریان، می‌بایست مورد مذاقه قرار گیرد. مؤید این موضوع گرایش گسترده جوانان و عضویت آن‌ها در داعش، از بیش از چند ده کشور جهان، می‌باشد.

از این رو به نظر می‌رسد که در آینده شاهد افزایش تشکیل تشکل‌های غیررسمی با گرایش‌های تکفیری در کشورهای مختلف خواهیم بود. خصوصاً در مناطقی که تحت سیطره فرهنگی جریان وهابی بوده و یا قرابت‌های مذهبی نزدیک با این جریان نظیر مناطقی که مردمان حنبلی مذهب در آن ساکن هستند، می‌باشیم. از طرف دیگر در مقابل شاهد خواهیم بود که با دستاویز قرار داده شدن روند رشد جریان تکفیری، جریان مقاومت مورد هجمه تبلیغاتی وسیع قرار گرفته و روایت ناتوانی آن در مقابل تکفیری‌های وهابی در اذهان حاکم گردد.

جریان‌های تکفیری منتسب به شیعه نیز همزمان با حمایت و هدایت سران اصلی جریان تکفیری منتسب به وهابی باهدف ظاهری صیانت از شیعه، امامت و... سر برآورده و زمینه بروز هزینه‌های هنگفت سیاسی، فرهنگی و امنیتی را برای کشورهای جریان مقاومت فراهم می‌آورد.

از طرف دیگر مدتی است که شاهد بروز معضلات عمیق مدل اداره اجتماعی تفکر لیبرالیسم بوده و هر روز با جریان و بحران جدیدی در مناطق تحت حاکمیت این پارادایم؛ نظیر جنبش ۹۹ درصدی مواجه هستیم. به طوری که بسیاری از صاحب‌نظران از «بن‌بست لیبرالیسم» یاد کرده‌اند؛ لذا مردمان تحت سلطه این پارادایم به‌منظور رهایی از آن، به دنبال راه‌حلی نوین<sup>۱</sup> بوده که جریان حامی تکفیری به علت دارا بودن منابع مالی و تبلیغاتی عظیم و بهره‌مندی از حمایت‌های سیاسی جریان استکبار، در مقام پیامبر رهایی‌بخش این اقوام قرار می‌گیرند؛ بنابراین در شرایط وقوع این سناریو، شاهد گرایش خرده‌فرهنگ‌هایی از سرزمین‌های تحت‌الحمايه تفکر لیبرالیستی خواهیم بود که باانگیزه‌های قوی اعتقادی به یاری جریان تکفیری خواهند پرداخت و روزبه‌روز بر حجم و تنوع آن افزوده می‌شود و نکته اینکه جولانگاه این جریان، قلب آمریکا و اروپا است.

کانون این سناریو - به علت وجود ظرفیت‌های فرهنگی و سیاسی - کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا و قومیت‌های کوچک ساکن در برخی مناطق همانند اقوام بلوچ، کرد و خرده‌فرهنگ‌های انحرافی شیعه نظیر انجمن حجتیه و مکتب تفکیکی در ایران خواهند بود.

## د- سناریو آتش زیرخاکستر

در صورت انسجام تقابل علیه جریان تکفیری و ادامه روند رو به ضعف و شکننده این جریان، به نظر می‌رسد تصور ریشه‌کنی کامل این جریان از منطقه، قدری سطحی‌نگری و ساده‌لوحی است. در چنین شرایطی با فرض نابودی استحکامات و قابلیت‌های فیزیکی این جریان، شاهد انفعالی هدفمند و ظاهری در مدت‌زمان محدودی خواهیم بود تا در شرایط مناسب با ماهیتی نوین و جدید که تطابق لازم با روایت‌های حاکم بر اذهان عمومی و شرایط محیطی را داشته باشد، نمایان گردند. به احتمال زیاد گروهی با رویکردی مدرن و میانه‌رو از دل این جریان منشعب خواهد شد و بر اساس مدل اسلام آمریکایی (میانه‌رو) عمل خواهد کرد؛ برای فهم بهتر این عبارت می‌توان مشابه مدل اسلام ترکیه‌ای را عنوان کرد.

مشابه این روند را در خصوص جریان القاعده شاهد بودیم. زمانی که این جریان زمینه و بهانه تهاجم و حضور منطقه‌ای غرب را در خاورمیانه فراهم نمود، ادامه حیات آن به شیوه قبلی با منافع راهبردی غرب همخوانی نداشت تا آنجا که برخورد خصمانه (ظاهری) با القاعده تا مرز کشتن سرکرده آن را در پی داشت. در ادامه شاهد تضعیف حاکمیت و انزوای تبلیغاتی القاعده بودیم. در صورتی که این جریان، در حال نوعی به اصطلاح پوست‌اندازی راهبردی و تاکتیکی و راهکنشی بوده که تحت عنوان جریان‌های تکفیری با ماهیتی نوین در حال نقش‌آفرینی است. نکته جالب آن است که با وجود ارتباط تشکیلاتی اصطلاحاً پدر-فرزندی با القاعده، داعیه جدایی و انفکاک از هم را، سر داده‌اند.

لذا در شرایطی که گروه‌های مختلف مقابل جریان تکفیری<sup>۱</sup> باهم به توافق رسیده و حتی محدودیت‌های سنگینی را علیه آن‌ها اعمال و حتی وارد تقابل نظامی سنگینی با آن‌ها شوند، این ظرفیت وجود دارد که جریان موصوف با حمایت غرب و عمال منطقه‌ای آن، برای مدت نامشخص ولی قریب‌الوقوع به‌ظاهر غیرفعال شده ولی در آینده‌ای نزدیک با ماهیتی جدید و مأموریتی نوین نمایان شده و به نقش‌آفرینی در راستای منافع استکبار بپردازد.

بنابراین به نظر می‌رسد رویکرد و هدف‌گذاری دفع و ریشه‌کنی همیشگی تهدید جریان‌های تکفیری در شرایط موجود، نوعی نگاه سطحی‌نگر ساده‌لوحانه است.

۱- هم اکنون گروه‌های مختلفی نظیر محور مقاومت، اعتداف علیه داعش، روسیه و... در صحنه حضور داشته که رویکردها و اهداف متفاوت و بعضاً متضادی با هم دارند.

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

به نظر می‌رسد جریان تکفیری کنونی که در قالب داعش متبلور گردیده، توانسته اهداف منطقه‌ای غرب را در خاورمیانه به نحو بسیار مطلوب و حتی خارج از تصور، حاصل نماید. با بررسی نشانک‌های ضعیف و اقدامات اخیر غرب در تغییر موضعی کاملاً معکوس در تعامل بیرونی خود با این جریان که اخیراً رویکرد مقابله با آن را در پیش گرفته است، یک تحلیل عمیق از این جریان را می‌توان به اختصار به شرح زیر بیان نمود:

جهان تقریباً تحت حاکمیت جریان غالب لیبرالیسم قرار گرفته و به‌عنوان قبله آمال سیاست‌گذاران و رهبران جهان، راه‌حلی است که جوامع را به سر منزل مقصود خواهد رساند. دموکراسی، اقتصاد آزاد و ادهوکراسی، اصول اساسی این تفکراند.

اما بر اساس پیش‌بینی حضرت امام خمینی (ره) به‌تدریج تهی بودن این نخله به‌مانند مارکسیسم، در حال نمایان شدن است. با وجود اینکه فلسفه لیبرالیسمی که اصل را بر منفعت فردی گذاشته و اساس رویکردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را نیز بر همین مبنا توسعه داده، توانسته در رشد و توسعه جوامع بشری به توفیق‌هایی دست یابد (البته رشد و توسعه‌ای ناهمگون که برخی نتایج آن اختلاف طبقاتی شدید، برتری، منفعت‌طلبی و سلطه گروه کوچک بر آحاد جامعه است) اما در جهانی که اساس آن، اصالت بر تعالی انسانی است، لیبرالیسم با آن کاملاً بیگانه است؛ لذا پوچ‌گرایی و ناامیدی که بر جوامع تحت سیطره لیبرالیسم در حال استیلا است، مؤید این مطلب است. در چنین شرایطی، امید به ظهور منجی در بین آحاد تحت ستم، بیشتر از گذشته شدت گرفته است. این مهم در نظر سردمداران جریان استکبار نیز به‌وضوح آشکار است و سعی دارند با بهره‌گیری از ظرفیت رسانه، افکار عمومی را در جهت اهداف خودشان هدایت نموده و عنان را از دست ندهند. از این رو رویکرد هالیوودی رسانه‌های صهیونیستی چند سالی است که با جدیت به این موضوع می‌پردازد. ساخت فیلم‌هایی با موضوعات پایان جهان و مطرح ساختن سال ۲۰۱۲ به‌عنوان «سال شروع دوره‌ای از تحولات زنجیره‌ای و آخرالزمانی» مؤید این مطلب است.

درواقع با اقدامات آزادی‌طلب صورت گرفته در برخی کشورهای اسلامی منطقه که منجر به بیداری اسلامی و اخذ نتایج مطلوب (ولی متأسفانه کوتاه‌مدت) گردید، درواقع امید به رهایی بر اساس اعتمادبه‌نفس و تکیه بر ظرفیت‌های درون‌زای تحت سلطه و ستم، نضج یافته است. در تحلیل‌های سناریویی جریان صهیونیستی، سناریوی دومینویی به‌شدت مورد تأکید بود. این هراس در جوامع استکباری کاملاً مشهود بود. نشانه‌های آن نیز به‌وضوح آشکار بود که جنبش ۹۹ درصدی و غیره از مصادیق آن است. از این رو امید به رهایی با تکیه بر نیروهای جامعه، برای جریان استکباری یک تهدید بزرگ بود که در صورت فراگیر شدن آن در سطح جهان، بیم سرنگونی آن‌ها می‌رفت. در این اثنا بود که روایت تکفیری در مقابله با ظلم و ستم سر برآورد.

به نظر می‌رسد جریان تکفیری، رؤیت هالیوودی - صهیونیستی از دولت آخرالزمان مسلمین و شیعیان است تا در تهاجمی یک‌سویه، همه باورهای آن‌ها را در خصوص مهم‌ترین پروژه جهان اسلام یعنی دولت موعود در پیش گاه افکار عمومی جهان محاکمه و نابود سازد. مؤید این مطلب این است که در نظر جریان تکفیری، غیر از اسرائیل! تمامی مذاهب و نحله‌ها، مصادیق کفر و شرک هستند. سناریو و روایت صهیونیستی، این بار نه در سینما بلکه در دنیای واقع با بهره‌گیری از جهالت و ناآگاهی همه بازیگران شخصی و دولتی (عربی، ترکی و غربی) اجرا می‌شود. در واقع با تحلیل این جریان، مصادیق تشکیل حکومت موعود با روایت صهیونیستی کاملاً مشهود است که به برخی از نشانه‌های مهم این سناریو اشاره شد.

کاملاً مشهود است که کارگردان این نمایش‌نامه، نوادگان سامری صهیونیستی و فراماسون‌های تئوری پرداز قسم‌خورده پنهان‌کار و بی‌رد و پایی هستند که از شرایط منطقه و تغییرات آن با هوشمندی و بدون رد پای آشکار بهره‌برده‌اند و «نشان» آن که فقط صهیونیست‌ها از جریان تکفیری بهره‌برند و آسیب ندیدند؛ لذا مواجهه با موضوع جریان تکفیری بیشتر از آن که از منظر سخت‌بدان پرداخته می‌شود، ماهیتی نرم دارد. درواقع از اهداف این سناریوی صهیونیستی، ورود بازیگرانی نظیر ایران به این مهلکه با رویکردی سخت بود که متأسفانه این امر تحقق یافت. تحریکات کاذب ایران به حمله نظامی، تخریب حرم‌های شریف عتبات عالیات، تخریب حرم‌های مطهر مورد احترام شیعه در سوریه و... با این هدف صورت گرفت. البته لازم به ذکر است که از منظر ایران، ورود سخت به موضوع جریان تکفیری در دراز مدت، گریزی نبود؛ اما در مقام مقابله با این سناریو، رویکرد نرم می‌بایست به‌عنوان اولویت اول مدنظر قرار می‌گرفت که این مهم صورت نپذیرفت. متأسفانه روایتی که در بین آحاد جامعه شکل گرفته بود - که الحمدالله به مدد هوشمندی رسانه‌ای و ورود نخبگان و علمای اسلامی با محوریت شیعه مهار شد - ورود نظامی به موضوع جریان تکفیری است که مهم‌ترین هدف این سناریوی صهیونیستی است. با توجه به نمایان شدن ماهیت اصلی این جریان و سناریوهای طراحی شده و اهداف اصلی آن، ضرورت دارد با رویکردی هوشمندانه به موضوع پرداخته شود.

سناریوهای مطرح‌شده بر اساس تحلیل محیط راهبردی و نشانک‌های ضعیف آن تا این مرحله انجام پذیرفته و نیازمند بررسی مجدد و به‌روزرسانی دارد؛ همچنین هدف اصلی رویکرد سناریو، نمایان ساختن آینده‌های پیش رو است؛ لذا پیشنهاد می‌گردد:

۱- سیاست‌گذاران از دل سناریوها، راهبردهای اساسی و برنامه‌های سیاستی و عملیاتی را استخراج نموده و سازمان‌ها و نهادهای مرتبط را در یک راستا هدایت و جهت‌دهی کنند؛ زیرا که عدم انسجام رفتاری در مقابله با این‌گونه تهدیدها، ضررهای جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت.



۲- همگامی افکار عمومی و آحاد جامعه از راهبردهای کلان ملی در مقابله با این‌گونه تهدیدها از اولویت اساسی سیاست‌گذاران است که می‌بایست با بررسی موشکافانه این‌گونه سناریوها، تهدید ابعاد آن مشخص و با اعلام و روایت سازی هوشمندانه آن‌ها، رویکردی منسجم در اذهان آحاد جامعه ایجاد گردد که این مهم به نحو نسبتاً مطلوبی در کشور در حال پیگیری است که ضرورت دارد با ابزار رسانه‌ای مؤثر، ماهیت بین‌المللی یابد.

## کتابنامه

- فیروزآبادی، سید حسن و همکاران (۱۳۹۳). *تکفیری‌های داعش را بشناسیم*. انتشارات داعشگاه عالی دفاع ملی (دعا).
- پارسا مهر، تقی. فولادی، قاسم (۱۳۹۳) «*نأملی بر نقش نشانک‌های ضعیف در آینده‌نگاری راهبردی*» تابناک (۱۴ تیرماه ۱۳۹۳). *نخستین ویدئوی خلیفه خودخوانده منتشر شد*.
- سایت تحلیلی تابناک (۱۵ تیر ۱۳۹۳). *تخریب زیارتگاه‌ها و مراقد شیعه و سنی توسط داعش*.
- خبرگزاری فارس (۱۵ تیر ۱۳۹۳). *برند سازی تکفیری برای «اسلام» / چرا حمایت رسانه‌ای از داعش این قدر زیاد است؟*
- خبرگزاری بی‌بی‌سی فارس (۳۱ خرداد ۱۳۹۳). *اینترنت ابزار جدید داعش برای تبلیغ*.
- خبرگزاری العالم (۰۴ شهریور ۱۳۹۳). به نقل از السومریه نیوز. *ماهواره، اینترنت و موبایل داعشی‌ها را به جان هم انداخت*
- خبرگزاری داعشجویان ایران «ایسنا» (۱۸ تیرماه ۱۳۹۳). *داعش اولین نشریه خود را منتشر کرد*.
- شبکه خبر (۲۱ تیر ۱۳۹۳). «*دابق*» شبکه تلویزیونی «*داعش*».
- خبرگزاری داعشجویان ایران «ایسنا» (۲۱ تیرماه ۱۳۹۳) به نقل از خبرگزاری المسله. «*راه‌اندازی شبکه تلویزیونی جدید داعش در موصل*».
- میبدی، علی ملاً موسی (۱۳۹۳). *نقد و بررسی اندیشه سپاه صحابه در تکفیر و اباحه دماء شیعیان*. کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمی اسلام (تهران).
- فرمانیان، مهدی (۱۳۹۳). *چیستی و چرایی شکل‌گیری جریان‌های تکفیری و دلایل قدرت‌یابی آن‌ها در دهه اخیر*. کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمی اسلام (تهران).
- اسفندیاری؛ حامد، پوراحمدی؛ حسین (۱۳۹۳). *راهبردهای خروج از بازی برد- باخت در مواجهه با افراط گرایی اسلامی در خاورمیانه*. کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمی اسلام (تهران).
- شفیعی، محمود (۱۳۹۳). *داعش و خشونت‌عریان: فهم غیرعقلانی دین و ترکیب آن با فناوری‌های جدید*. کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمی اسلام (تهران).
- نباتیان، محمد اسماعیل (۱۳۹۳). *الگوی حکومت در اندیشه جریان سلفی-تکفیری*. کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمی اسلام (تهران).

فاطمی نژاد، مجید (۱۳۹۳). *نقد و بررسی تکفیر از دیدگاه سلفی وهابی و سلفی جهادی*. کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمی اسلام (تهران).

Schwartz, P. (1991). *The art of the long view*. New York: Doubleday.

Tucker, K. (1999). Scenario planning. *Association Management*, 51(4), 70-75.

Chermack, T. (2011). *Scenario Planning in Organizations: How To Create, Use, and assess Scenarios*,

Ansoff, I.H. (1975) "Managing Strategic Surprise By Response To Weak signals. *California Management Review*, Vol. 18:2, pp. 21-33

Ansoff, I.H. (1980) *Strategic Issues Management*, *Strategic Management Journal*, Vol. 1, pp. 131-148

MAD WORLD (on June 29, 2014 at 8:25 pm). «ISIS Changes Their Name and Declares Their Leader Caliph».

THE INDEPENDENT (ON Monday 29 June 2014), *Iraq crisis: Isis declares its territories a new Islamic state with 'restoration of caliphate' in Middle East*”.

BBC.CO.UK (ON 05 JULY 2014). "chief Abu Bakr al-Baghdadi appears in first video [bbc.co.uk](http://bbc.co.uk)

RT.COM (ON 06 JULY 2014). *ISIS jihadists demolish mosques, shrines in northern Iraq* “.

ENGLISH.ALARABIYA.NET. *the Islamic State of Iraq and Syria (ISIS) showed Sufi shrines were demolished by bulldozers*”

Agence France-Presse (ON 06 JULY 2014). *Sunni and Shiite shrines and Mraqd destroyed by Dash*”.

Middle East Monitor (ON 30 NOV 2014). "DAESH EXPORTED OIL”.

SYRIAN OBSERVATORY HUMAN RIGHT (ON 03 JULY 2014). *Isis takes key Syrian oil field*”

VOICE OF AMERICA (ON 05 JULY 2014). *Islamist Fighters Seize Croatian Oil Field in Syria*”.

Deutsche Welle (ON 07 JULY 2014). "ISIS Published New Passport & Bill”

FOX NEWS (ON 07 OCT 2014). *FORMER IRAQI PILOTS TRAINING ISIS FIGHTERS TO FLY CAPTURED SYRIAN JETS, RIGHTS GROUP SAYS*”

CNN NEWS (ON 31 AUG 2014). *ISIS Stealing Fighter Jets & Forcing Pilots To Train Terrorists To Fly Them*”

Deutsche Welle (ON 14 NOV 2014). "ISIS Published New Passport & Bill”

